معادلات یمن چگونه عربستان را تحت تاثیر قرار می‌دهد؟

مخمصه صادراتی سعودی‌ها

گروه بین‌الملل

داده‌های منابع متخصص در جریان انرژی بین‌المللی حاکی از کاهش شدید گزینه‌های صادرات نفت عربستان است. در پی اعمال معادلات یمن علیه عربستان سعودی تحت عنوان «محاصره دربرابر محاصره و تشدید دربرابر تشدید» منابع بین‌المللی از کاهش شدید صادرات نفت عربستان از طریق دریای سرخ خبر دادند که به شدت اقتصاد این کشور را تحت تأثیر قرار می‌دهد. با شروع محاصره دریایی یمن علیه خطوط تأمین عربستان سعودی در دریای سرخ، از هفته‌های گذشته فشار بر اقتصاد این کشور به شکلی قابل توجه تشدید شده است و پیامدهای بیشتری را به همراه دارد که در طول زمان آشکار خواهد شد، در واقع محاصره یمن علیه عربستان، استراتژی رسمی این کشور برای دور زدن تنگه هرمز با استفاده از مسیر زمینی شرق به غرب را مختل کرد.

در این زمینه وب‌سایت قطری العربی الجدید در مقاله‌ای تحت عنوان «یمنی‌ها گزینه‌های صادرات عربستان را محدود کرده‌اند»، به بررسی تأثیر محاصره یمن بر اقتصاد عربستان پرداخته نوشت: حملات مداوم یمنی‌ها به کشتی‌ها و تأسیسات اقتصادی عربستان، خط کشتیرانی جایگزین را که اقتصاد این کشور برای جبران اختلالات تنگه هرمز به آن متکی است، خفه می‌کند.

این امر نقطه فشار دومی را در دریای سرخ ایجاد می‌کند که تقریباً ۱۲ تا ۱۵ درصد از تجارت دریایی جهانی از آن عبور می‌کند و تهدیدی برای تثبیت بی‌ثباتی دریایی و تأخیر در بازیابی منابع نفتی است. در تاریخ ۲۰ جولای، یمنی‌ها در پاسخ به محاصره‌ای که عربستان علیه یمن اعمال کرده است، معادله محاصره دربرابر محاصره را اجرا کردند که طبق آن عبور کشتی‌های عربستان یا هر کشتی مرتبط با این کشور از دریای سرخ ممنوع شده‌اند، از آن زمان نیروهای مسلح یمن حملات مداومی علیه مواضع عربستان انجام داده‌اند. در نتیجه این تشدید، صادرات مستقیم به بازارهای آسیایی، به ویژه از طریق کشتی‌های متعلق به عربستان سعودی، تحت تأثیر قرار گرفته است و این آبراه حیاتی را به منطقه‌ای پرخطر با حق بیمه‌های سرسام‌آور تبدیل کرده است.

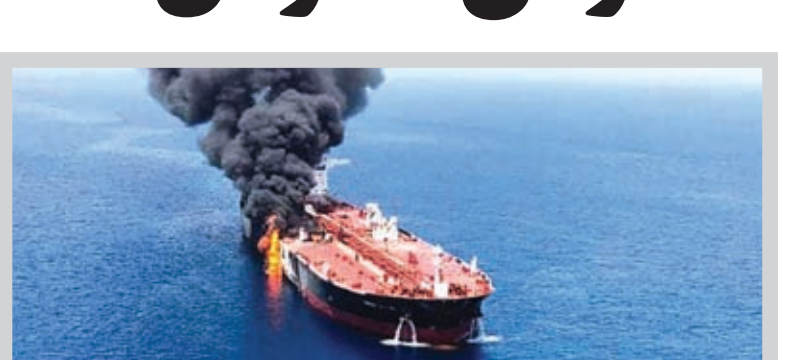

دردسرهای ناتمام سعودی‌ها در صادرات در پی اجرای معادله یمن

با وجود اینکه عربستان سعودی خط لوله شرق ـ غرب (پتولاین) را با ظرفیت حداکثر ۷ میلیون بشکه در روز برای انتقال نفت خام از استان شرقی به ینبع در دریای سرخ در اختیار دارد، طبق تخمین منتشرشده توسط کپلر، پلتفرمی متخصص در ردیابی ترافیک دریایی و جریان‌های انرژی، ظرفیت واقعی صادرات به ظرفیت فیزیکی بندر ینبع محدود می‌شود. داده‌های حمل‌ونقل نشان می‌دهد که ظرفیت بارگیری عملیاتی بندر ینبع در شرایط درگیری از ۳٫۸ تا ۴ میلیون بشکه در روز فراتر نمی‌رود که به طور قابل توجهی کمتر از حداکثر ظرفیت خط لوله است. با کاهش تعداد کشتی‌های عبوری از باب‌المندب به تقریباً ۲۴ کشتی در روز، در مقایسه با ۳۴ کشتی قبل از تشدید درگیری‌ها، این محدودیت‌های جغرافیایی و فنی، محدودیت‌های تعیین‌کننده‌ای را بر اثر بخشی خط لوله به عنوان یک جایگزین کامل برای تنگه هرمز، طبق همان تخمین، اعمال می‌کند. در این میان سایر گزینه‌های صادراتی موجود برای دور زدن باب‌المندب با چالش‌های بیشتری روبه‌رو هستند. گزینه تغییر مسیر تانکرهای نفتی به سمت شمال به سمت کانال سوئز و خط لوله SUMED مصر شامل پیچیدگی‌های لجستیکی و هزینه‌های مالی بالایی است،

این مسیر جایگزین در مقایسه با ترانزیت مستقیم از طریق باب‌المندب، ۲۰ تا ۲۵ روز به زمان سفر به بازارهای شرقی اضافه می‌کند، علاوه بر این، طبق گزارش منتشرشده توسط The Maritime Executive، پلتفرمی متخصص در امور دریایی و کشتیرانی، باعث کمبود تانکرهای بزرگ می‌شود و آنها را مجبور می‌کند بخش‌هایی از محموله خود را برای عبور از کانال تخلیه کنند. براساس همین گزارش، همزمان با افزایش خطر تشدید درگیری‌ها، امکان استفاده از راه‌های شمالی به‌عنوان یک مسیر صادراتی دائمی و جامع تضعیف می‌شود؛ زیرا هیچ راه‌حل مهندسی یا خط لوله‌ای نمی‌تواند به طور کامل امنیت آبراه‌ها و ثبات منطقه‌ای را بی‌نیاز کند. علاوه بر آن، تلاش برای تغییر مسیر محموله‌های نفتی از تنگه هرمز به آبراه ناپایدار دیگری مانند دریای سرخ، خطرات را از بین نمی‌برد، بلکه صرفاً آنها را از نظر جغرافیایی تغییر می‌دهد، این امر زیرساخت‌ها و بنادر عربستان سعودی را در معرض تهدید مداوم قرار می‌دهد.

گزینه‌های عربستان برای صادرات، محدود و پرهزینه است

بنابراین، ارزیابی منتشرشده توسط Energy Connects، پلتفرمی متخصص در امور انرژی جهانی و زیرساخت‌ها، نتیجه می‌گیرد که گزینه‌های موجود برای عربستان سعودی جزئی و پرهزینه هستند و همچنان به ظرفیت عملیاتی بندر و دردسترس بودن ناوگان نفتکش‌ها محدود می‌شوند، این امر مستلزم تأمین حفاظت بین‌المللی از خطوط کشتیرانی به جای تکیه صرف بر گزینه‌های ساختاری بسته است. مسیر جایگزینی که سعودی‌ها انتخاب کرده‌اند، نفت را از ینبع به بندر مصری عین‌السخنه در دریای سرخ و سپس از طریق خط لوله SUMED به بندر سیدی کریر در دریای مدیترانه منتقل می‌کند، از آنجا، نفت به سفر خود از طریق دریای مدیترانه و تنگه جبل‌الطارق ادامه می‌دهد و با دور زدن دماغه امید نیک، به بازارهای آسیایی می‌رسد. از آن جایی که این مسیر دریایی طولانی‌تر از مسیر معمول از طریق تنگه باب‌المندب است، استفاده از آن، شرکت آرامکو را مجبور کرده است با توجه به افزایش هزینه‌های حمل‌ونقل ناشی از تغییر مسیر مسیرهای صادراتی، به دنبال یک مکانیسم قیمت‌گذاری جدید برای محموله‌های نفت خام باشد.

به گزارش رویترز، این تغییر مسیر می‌تواند برای خریداران آسیایی ۱۰ میلیون دلار اضافی برای هر محموله یا حدود ۵ دلار برای هر بشکه هزینه داشته باشد. این هزینه‌ها علاوه بر چیزی است که رویترز قبلاً گزارش داده بود: گسترش خط لوله شرق ـ غرب، که شامل اضافه کردن دو میلیون بشکه در روز به ظرفیت آن می‌شود، "سال‌ها طول خواهد کشید، میلیاردها دلار هزینه خواهد داشت و نیاز به یک مکانیسم قیمت‌گذاری جدید برای نفت خام عربستان سعودی دارد."

در این زمینه، زیاد زوانه، کارشناس اقتصاد سیاسی، در گفتگو با العربی الجدید اظهار داشت که عربستان باید منطقی و واقع‌بین باشد و به یک استراتژی برای کاهش تنش‌ها با یمن متوسل شود؛ زیرا ادامه وضعیت کنونی و پیامدهای آن اصلاً به نفع عربستان نیست. این کارشناس اقتصادی تأکید کرد که تنگه باب‌المندب یک اهرم فشار مهم در دست یمن علیه عربستان به ویژه در شرایط حساس کنونی است و اگر یمنی‌ها اختلال کامل یا جزئی در خط لوله نفت شرق ـ غرب ایجاد کنند، هزینه این رویارویی برای عربستان بیشتر هم می‌شود. وی اضافه کرد: بهترین راه برای عربستان کنار آمدن با یمن و پاسخ به خواسته‌های این کشور است تا به این ترتیب ریاض بتواند منافع راهبردی و اقتصادی خود را حفظ کند و از پیامدهای امنیتی و سیاسی ادامه تنش‌ها با یمن در امان بماند.

آمریکایی که در ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ دولت قانونی ایران را ساقط کرد، امروز در برابر ایرانی که بلعیده شدن را نپذیرفت زمین‌گیر است

ورود بی‌مخ‌ها ممنوع!

گروه سیاسی

۲۸ مرداد فقط یک تاریخ در تقویم سیاسی ایران نیست؛ یکی از روشن‌ترین نقاطی است که می‌توان از خلال آن نسبت ایران با ایالات متحده را فهم کرد. هفتادوسه سال بعد، اهمیت این روز نه‌تنها کاهش نیافته، بلکه در پرتو تجربه سال‌های اخیر معنای تازه‌ای پیدا کرده است. ۲۸ مرداد را می‌توان یکی از مهم‌ترین اسناد تاریخی شکل‌گیری شکاف عمیق و پرتنش میان ایران و آمریکا دانست؛ شکافی که از همان ابتدا نه بر سر یک سوءتفاهم ساده دیپلماتیک، بلکه بر سر یک مسئله بنیادین شکل گرفت: آیا ایران حق دارد درباره منابع، سیاست و مسیر توسعه خود مستقل تصمیم بگیرد یا خیر؟

در سال ۱۳۳۲، مسئله اصلی برای ایران، ملی شدن صنعت نفت و اعمال حاکمیت بر ثروتی بود که سال‌ها تحت سلطه شرکت نفت انگلیس و ایران قرار داشت. دولت محمد مصدق نیز در معنای دقیق کلمه دولتی ضد آمریکایی نبود. روابط تهران و واشنگتن در سال‌های پیش از کودتا، با وجود اختلافات جدی، صرفاً در چارچوب خصومت ایدئولوژیک تعریف نمی‌شد. دولت آمریکا حتی در مقاطعی برای حل بحران نفت میان ایران و بریتانیا میانجیگری کرد و کمک‌های اقتصادی و فنی نیز در اختیار دولت مصدق قرار گرفت. در اسناد رسمی خود دولت آمریکا نیز آمده است که واشنگتن در آن مقطع لزوماً در پی سرنگونی فوری مصدق نبود و حتی تا اوایل سال ۱۹۵۳، حفظ دولت او در صورت امکان مورد بحث قرار می‌گرفت.

اما مسئله جایی عوض شد که استقلال اقتصادی ایران با منافع قدرت‌های بزرگ اصطکاک پیدا کرد. دولت آیزنهاور در کنار بریتانیا تصمیم گرفت برای براندازی دولت مصدق وارد عملیات پنهانی شود. اسناد رسمی منتشرشده در مجموعه «روابط خارجی ایالات متحده» صراحتاً از طراحی و اجرای عملیات TPAJAX سخن می‌گویند و اسناد دیگر، دخالت مستقیم سازمان اطلاعات مرکزی آمریکا در روند آماده‌سازی فضای سیاسی، تبلیغاتی و عملیاتی کودتا را ثبت کرده‌اند. دایره‌المعارف ایرانیکا نیز بر این اساس تصریح می‌کند که پس از تصمیم مشترک آمریکا و بریتانیا، طرح سرنگونی مصدق با نام رمز AJAX طراحی و اجرای آن به سازمان سیا سپرده شد.

از این منظر، ۲۸ مرداد برای ایران یک «سوءتفاهم تاریخی» نیست؛ یک تجربه عینی از نسبت قدرت‌های بزرگ با استقلال سیاسی کشورهای دیگر است. البته تقلیل همه وقایع به این جمله که «آمریکا خواست و ایران سقوط کرد» نیز از نظر تاریخی دقیق نیست. بحران سیاسی داخلی، شکاف‌های میان نیروهای ملی، نقش دربار، شبکه‌های سیاسی و اجتماعی مخالف دولت و وضعیت پیچیده جامعه ایران نیز در سرانجام واقعه مؤثر بودند. اما وجود این عوامل، نقش مداخله خارجی را منتفی نمی‌کند؛ همان گونه که وجود عوامل داخلی، کودتا را از ماهیت مداخله‌گرانه آن تهی نمی‌سازد. اتفاقاً اهمیت تاریخی ۲۸ مرداد در همین نقطه است: یک بحران داخلی هنگامی به سقوط دولت و تغییر مسیر سیاسی کشور انجامید که با طراحی، سازماندهی و پشتیبانی قدرت خارجی پیوند خورد. اسناد آمریکایی موجود نیز دیگر اجازه نمی‌دهند نقش این مداخله صرفاً در حد یک «روایت سیاسی» یا ادعای جناحی باقی بماند. به همین دلیل، ۲۸ مرداد یکی از مهم‌ترین اسناد تاریخی برای فهم بی‌اعتمادی ایران به آمریکاست. اگر بخواهیم با معیاری ساده و عقلانی داوری کنیم، باید بپرسیم ایران در آن مقطع چه کرده بود که مستحق مداخله خارجی شد؟ یک دولت مستقر در چارچوب ساختار حقوقی آن روز کشور، برملی شدن صنعت نفت اصرار کرده بود؛ یعنی بر حق مالکیت و حاکمیت ایران بر یکی از مهم‌ترین منابع طبیعی خود تأکید داشت. در مقابل، آنچه رخ داد، تلاش قدرت‌های خارجی برای تغییر مسیر سیاسی ایران بود. بنابراین دشوار است کسی با اتکا به منطق عادی روابط بین‌الملل ادعا کند که شکاف ایران و آمریکا اساساً محصول رفتار خصمانه ایران بوده است. نمی‌توان تاریخی را که در آن یک قدرت خارجی برای تغییر دولت ایران وارد عمل شده، نادیده گرفت و همه مسئولیت شکاف بعدی را متوجه ایران دانست. درس دوم ۲۸ مرداد شاید برای امروز حتی مهم‌تر باشد: همسویی با آمریکا برای یک کشور مصونیت ایجاد نمی‌کند. این نکته از بسیاری از شعارها و مناقشه‌های سیاسی مهم تراست. در سال ۱۳۳۲، هنوز جمهوری اسلامی وجود نداشت، انقلابی با گفتمان ضد آمریکایی شکل نگرفته بود و دولت مصدق نیز خود را در چارچوب یک سیاست خارجی متعارف تعریف می‌کرد. میان تهران و واشنگتن در مقاطعی همکاری، مذاکره و حتی کمک اقتصادی وجود داشت. با این حال، هنگامی که مسئله به جایی رسید که منافع واراده ملی ایران با منافع راهبردی آمریکا و بریتانیا تعارض پیدا کرد، دوستی و همکاری نتوانست تضمینی برای استقلال ایران باشد. حتی اسناد رسمی آمریکایی نشان می‌دهند که واشنگتن در آن دوره همزمان با تلاش برای حفظ نفوذ خود، نگران این بود که ایران از مدار مطلوب غرب خارج شود و در صورت تشدید بحران، سیاست خود را «به طور اساسی» تغییر دهد.

این منطق در تجربه هفتادوسه سال گذشته نیز بارها تکرار شده است: مسئله آمریکا صرفاً این نیست که یک دولت ایرانی خود را «دوست آمریکا» یا «دشمن آمریکا» بداند؛ مسئله اصلی آن است که ایران تا چه اندازه حاضر است در تصمیم‌های راهبردی خود مستقل باشد. مادامی که ایران بتواند در چارچوب نظم مطلوب واشنگتن تعریف شود، اختلافات قابل مدیریت‌اند؛ اما هرگاه اراده سیاسی کشور به جایی برسد که با منافع و هندسه قدرت آمریکا اصطکاک پیدا کند، «همکاری» به سرعت جای خود را به فشار، تحریم، تهدید و مداخله می‌دهد. ۲۸ مرداد این واقعیت را پیش از آنکه به یک نظریه سیاسی تبدیل کنیم، در یک تجربه تاریخی به ما نشان داده است.

اما مهم‌ترین تفاوت ۲۸ مرداد با امروز، به جایگاه مردم در معادلات سیاسی ایران بازمی‌گردد. در ۱۳۳۲، جامعه ایران اگرچه یکی از طرف‌های اصلی منازعه بود، اما ساختار سیاسی و امنیتی کشور و روابط قدرت به‌گونه‌ای بود که مداخله خارجی می‌توانست در کوتاه‌مدت مسیر تحولات داخلی را تغییر دهد. امروز اما وضعیت ایران به یک دلگرگون شده است. چهار دهه تجربه انقلاب، جنگ، تحریم، بحران‌های امنیتی و مقاومت در برابر فشار خارجی، جامعه و دولت ایران را به سطح دیگری از استقلال سیاسی و ظرفیت بسیج ملی رسانده است.

این تفاوت را باید در مقایسه میان دیروز و امروز دید. در ۲۸ مرداد، آمریکا و بریتانیا توانستند با ترکیب عملیات مخفی، فشار سیاسی، جنگ روانی، شبکه‌سازی داخلی و بهره‌گیری از شکاف‌های سیاسی، دولت مستقر را سرنگون کنند. در سال ۱۴۰۵ اما واشنگتن، این بار نه در پشت پرده و با شبکه‌ای از عوامل پنهان، بلکه در یک رویارویی مستقیم و همراه با اسرائیل، تلاش کرده است ایران را وادار به تغییر رفتار کند. موضوع دیگر صرفاً اختلاف بر سر نفت یا یک پرونده مشخص نیست؛ مسئله بر سر این است که آیا ایران می‌تواند به عنوان یک قدرت مستقل، درباره امنیت، اقتصاد، انرژی، سیاست خارجی و آینده منطقه تصمیم بگیرد یا باید در نظم مطلوب آمریکا هضم شود. تفاوت در نتیجه نیز معنادار است. آمریکا و اسرائیل در این دور از رویارویی، همه ابزارهایی را که در اختیار داشته‌اند به میدان آورده‌اند؛ از فشار اقتصادی و سیاسی تا جنگ و تهدید نظامی. با این حال، آنچه در عمل رخ داده، چیزی بسیار متفاوت از پروژه تغییر رفتار مورد نظر واشنگتن بوده است. حتی در مهم‌ترین گلوگاه ژئوپلیتیکی منطقه، یعنی تنگه هرمز، معادله امروز با پیش از آغاز جنگ تفاوتی بنیادین پیدا کرده است. براساس گزارش‌های تازه، پس از آغاز درگیری در ۲۸ فوریه ۲۰۲۶، رفت‌وآمد دریایی در هرمز از حدود ۱۳۰ تا ۱۴۰ شناور در روز به شمار بسیار محدودی کاهش یافته و ایران عملاً عبور و مرور از مسیرهای تحت کنترل خود را منوط به اجازه کرده است. در همین روزهای اخیر نیز تهران و واشنگتن درباره کنترل این آبراه ادعاهای متقابل داشته‌اند؛ با این حال داده‌های کشتیرانی نشان می‌دهد ترافیک از مسیرهای تحت نفوذ و نظارت ایران به شدت کاهش یافته و بخش بزرگی از کشتیرانی از عبور عادی از این آبراه اجتناب می‌کند. البته تعبیر «شش ماه انسداد کامل» نیازمند دقت است، زیرا در این مدت مقاطعی از تردد محدود و برخی انتقال‌های نفتی از طریق روش‌هایی مانند کشتی به کشتی نیز انجام شده است. اما اصل ماجرا تغییر نکرده است: هرمز دیگر آن آبراه کم‌تنشی نیست که در آن تجارت و انتقال انرژی تقریباً بدون وقفه جریان داشته باشد؛ بلکه به یکی از مهم‌ترین اهرم‌های ژئوپلیتیکی منازعه ایران و آمریکا تبدیل شده است. حتی گزارش‌های تازه از کاهش شدید تردد و تداوم محدودیت عبور خبر می‌دهند و آزانس بین‌المللی انرژی نیز اختلال ناشی از درگیری و بحران هرمز را یکی از عوامل اصلی افت عرضه جهانی نفت در سال ۲۰۲۶ دانسته است.

این دقیقاً همان نقطه‌ای است که ۲۸ مرداد را برای امروز معنادار می‌کند. در سال ۱۳۳۲، یک ایران ضعیف‌تر و آسیب‌پذیرتر، با یک مداخله خارجی مواجه شد و نتیجه، تغییر دولت و ورود کشور به دوره‌ای طولانی از وابستگی سیاسی بود. در سال ۱۴۰۵، همان قدرت خارجی با قدرتی بسیار بزرگ‌تر و با پشتیبانی نظامی و سیاسی اسرائیل، در پی آن است که ایران را به عقب‌نشینی و تغییر رفتار وادار کند؛ اما نتیجه تا کنون نه فروپاشی ساختار سیاسی ایران، نه انحلال اراده ملی و نه بازگشت ایران به مدار مطلوب واشنگتن بوده است. برعکس، یکی از مهم‌ترین اهرم‌های ژئوپلیتیکی جهان امروز، یعنی هرمز، به صحنه‌ای تبدیل شده که ایران در آن مدعی اعمال حاکمیت و تعیین قواعد عبور است. این تحول، فارغ از اینکه سرانجام مذاکرات و جنگ چه خواهد شد، به خودی خود یک تغییر مهم در معادله قدرت منطقه‌ای است.

از این منظر، مردم ایران نیز دیگر صرفاً موضوع تحولات قدرت‌های بزرگ نیستند؛ آنها خود به یکی از عوامل تعیین‌کننده معادله تبدیل شده‌اند. ۲۸ مرداد نشان می‌دهد که وقتی جامعه‌ای از حیث سیاسی، نهادی و امنیتی شکننده باشد، قدرت خارجی می‌تواند از شکاف‌های داخلی برای تغییر مسیر آن استفاده کند. تجربه جمهوری اسلامی اما نشان داده است که جامعه ایرانی، با همه اختلافات و تنوع‌های سیاسی و اجتماعی خود، در برابر مداخله خارجی الزاماً به همان شکل گذشته عمل نمی‌کند. در لحظات تاریخی، مسئله «ایران» می‌تواند بر بسیاری از شکاف‌های دیگر غلبه کند و محاسبات بازیگران خارجی را برهم بزند.

از همین رو، ۲۸ مرداد را نباید صرفاً سالگرد یک کودتا دانست. این روز را باید به مثابه یک هشدار تاریخی خواند: قدرت‌های بزرگ هنگامی که منافع خود را در خطر ببینند، میان دولت دوست و دشمن تفاوت مطلق قائل نمی‌شوند؛ مرز اصلی برای آنها جایی است که یک کشور بخواهد بر سرنوشت خود، منابع خود و تصمیم‌های راهبردی خود حاکم باشد. آنچه در ۱۳۳۲ اتفاق افتاد، تجربه تلخ همین واقعیت بود. آنچه در ۱۴۰۵ در حال وقوع است، آزمون تازه‌ای برای همان مسئله است؛ با یک تفاوت بزرگ: ایران امروز دیگر ایران ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ نیست.

شاید مهم‌ترین پرسش امروز نیز همین باشد: آیا تاریخ دوباره تکرار خواهد شد؟ پاسخ تا کنون روشن است. در ۲۸ مرداد، اراده آمریکا توانست یک دولت را ساقط کند و مسیر یک کشور را تغییر دهد؛ در ۱۴۰۵، اراده آمریکا و اسرائیل برای تحمیل تغییر رفتار به ایران نه‌تنها به هدف نهایی خود نرسیده، بلکه درپخش هایی از معادله منطقه‌ای با مقاومتی مواجه شده که پیش از جنگ قابل تصور نبود. اگر ۲۸ مرداد سند مداخله آمریکا در سرنوشت ایران است، تجربه امروز می‌تواند سند دیگری باشد: اینکه فاصله میان ایرانِ تحت نفوذ و ایرانِ مستقل فقط در شعارها ساخته نمی‌شود؛ این فاصله در میزان توانایی یک ملت برای حفظ اراده سیاسی خود در برابر فشار قدرت‌های بزرگ شکل می‌گیرد. ۲۸ مرداد برای همین باید دوباره خوانده شود؛ نه از سر نوستالژی تاریخی و نه فقط برای بازگویی یک شکست، بلکه برای فهم یک قاعده ماندگار در سیاست بین‌الملل: هیچ قدرت خارجی به اندازه خود یک ملت دلسوز استقلال آن کشور نیست. و هیچ تضمینی وجود ندارد که نزدیک شدن به هژمون، کشوری را از فشار هژمون مصون کند. آنچه می‌تواند چنین مصونیتی ایجاد کند، قدرت ملی، انسجام اجتماعی، استقلال سیاسی و توانایی تحمیل هزینه به طرف مقابل است. ایران ۱۳۳۲ این واقعیت را با تلخی آموخت؛ ایران ۱۴۰۵ در حال نشان دادن روی دیگر همان تجربه است.

رسوایی امنیتی در کابینه انگلیس

افشای تماس نخست وزیر انگلیس با فردی که خود را رئیس دفتر ترامپ معرفی کرده بود، رسوایی امنیتی به بار آورد.

به گزارش تسنیم، یک شکاف امنیتی در سطوح بالای دولت انگلیس پس از آن افشا شد که مشخص شد نخست وزیر این کشور با فردی که خود را «سوزی وایلز»، رئیس دفتر دونالد ترامپ، معرفی کرده بود، پیام ردوبدل کرده است؛ فردی که بعداً هویت او جعلی تشخیص داده شد. این حادثه پس از بررسی‌های امنیتی، نگرانی‌های تازه‌ای درباره نحوه حفاظت از ارتباطات شخصی مقام‌های ارشد انگلیس ایجاد کرد. گفته شده پیام‌های ردوبدل شده حاوی اطلاعات حساس یا مهم نبوده‌اند، اما امکان برقراری ارتباط مستقیم یک فرد ناشناس با نخست وزیر انگلیس، به ویژه با جعل هویت یک مقام ارشد کاخ سفید، نگرانی‌های امنیتی قابل توجهی ایجاد کرده است. در ادامه تحقیقات مشخص شد شماره تلفن همراه شخصی چندین وزیر ارشد کابینه انگلیس نیز به صورت عمومی در اینترنت قابل دسترسی بوده است. از جمله این افراد می‌توان به وس استریتینگ، وزیر دفاع، الکس نوریس، وزیر دادگستری و کریس برایانت، وزیر ایرلند شمالی اشاره کرد. این افشاگری که نخستین بار توسط پولیتیکو گزارش شد، نگرانی‌هایی را درباره احتمال دسترسی افراد ناشناس یا دشمنان بالقوه به ارتباطات مستقیم اعضای دولت ایجاد کرده است. دولت انگلیس نیز روند حذف این اطلاعات از فضای آنلاین و بررسی آسیب‌پذیری‌های موجود در سیستم ارتباطی مقام‌های ارشد را آغاز کرده است. این ماجرا بار دیگر بحث درباره استفاده مقام‌های ارشد انگلیس از تلفن‌های همراه و ابزارهای ارتباطی شخصی و خطرات امنیتی ناشی از آن را به مرکز توجه آورده است.

حزب‌الله عراق:

شرط ما خروج نظامیان آمریکایی و ترکیه‌ای است

گردان‌های حزب‌الله عراق: شرط ما برای هرگونه تفاهم با دولت عراق، خروج نظامیان آمریکایی و ترکیه‌ای است.

به گزارش تسنیم، شبکه الجزیره به نقل از یک مسئول امنیتی گردان‌های حزب‌الله عراق: شروط ما برای هرگونه تفاهم با هر دولتی در مورد سلاح، خروج نظامیان (تروریست) آمریکایی است. این مسئول امنیتی گردان‌های حزب‌الله تصریح کرد: ما همچنین یکی دیگر از شروط خود را خروج نظامیان ترکیه از شمال عراق و انحلال نیروهای پیشمرگه (شبه نظامیان تحت فرماندهی بارزانی در اقلیم کردستان عراق) اعلام می‌کنیم. الجزیره ادامه داد که مسئول امنیتی گردان‌های حزب‌الله گفته است که صبر آنها در قبال اقدامات غیرمسئولانه نخست وزیر (الزیدی) رو به پایان است.

ظهور شگفتانه‌های قدرت ملی

ادامه از صفحه اول

هنوز نمی‌دانند در پس این آرامش نسبی در خطوط نبرد چه «آتشی» برای آنها تدارک دیده شده است.

۴- آتش‌بس و مذاکره‌ای در میان نیست. ایران به این نتیجه رسیده است تا شروط ما تحقق نیافته است، سخن از هر مذاکره و آتش‌بس کاری مهمل و بیهوده است.

تنگه هرمز و تنگه باب‌المندب به عنوان دو گلوگاه نظامی و اقتصادی جهان در اختیار ایران و جبهه مقاومت است. ایران از این طریق یک تحریم اعمالی را به اقتصاد سرمایه‌داری جهان را به نمایش گذاشته است.

یمن در خشکی و دریا با عربستان می‌جنگد و آرامکو را زیر ضرب موشکی و پهپادی خود دارد از پیمان مکه هیچ بخاری بلند نمی‌شود.

راهبرد منطقه‌ای کردن نبرد توسط ایران جواب داده است.

اکنون محیط و مساحت جنگ را تا معیین می‌کنیم. به زودی نیروهای مسلح در اتخاذ راهبرد پیشدستانه، فکری برای «حصر دریایی» خواهند کرد.

آن ساعت خیلی دور نیست. وضعیت بازار جهانی، وضعیت میزان مهمات دشمن و اوضاع سیاسی داخلی در آمریکا و سرزمین‌های اشغالی چیزی نیست که دشمن بتواند در نبرد بعدی ابتکار عمل از خود نشان دهد.

برگ سبز خودروی سواری پژو PARS XU7P مدل ۱۴۰۳ به رنگ سفید روغنی به شماره موتور ۱۲۵K۰۳۰۰۲۰ و شماره شاسی NAANA1HLFRBC۶۱۴۶۴ به شماره انتظامی ۲۷۵ ق ۳۷- ایران ۹۵ به نام عبدالباسط نوسلی مفقود گردیده و ازدرجه اعتبار ساقط است.

برگ سبز- سند فروش کارخانه خودروی سواری سایپا ۱۳۲SL مدل ۱۳۹۱ به شماره موتور ۴۸۰۱۸۹۱ و شماره شاسی NAS۴۲۱۱۰۰C۵۷۱۶۲۷۶ به نام بابک رمضانی به شماره انتظامی ۳۲۸ ج۱۲- ایران ۹۵ مفقود گردیده و ازدرجه اعتبار ساقط است.

پلاک عقب خودروی وانت تویوتا هایلوکس ۷۰۰۰ به رنگ جگری مدل ۱۹۸۵ به نام شکور ولیداد زهی به شماره انتظامی ۹۸۸ ص ۵۸ - ایران ۹۵ به شماره موتور ۰۳۱۴۷۱۰ و شماره شاسی YN۵۷۰۰۳۱۵۳۶ به علت سهل انگاری مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط است.

اصل مدرک تحصیلی دیپلم اقتصادی و اجتماعی به نام فاطمه شهنوازی به شماره ملی ۳۷۱۹۷۳۹۵۸۹ از دبیرستان پروین شهر توبت حیدریه رشته اقتصاد اجتماعی مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط است

اصل سند و برگ سبز سواری هاچ بک پژو ۲۰۶ مدل ۱۳۸۶ به رنگ شکلاتی متالیک به شماره موتور ۱۳۰۸۶۰۰۰۱۶۳ و شماره شاسی ۸۷۵۰۲۸ به شماره انتظامی ۴۳۱ د ۱۹ - ایران ۵۴ به نام محمد اسلامی زاده مفقود گردیده و ازدرجه اعتبار ساقط است.

اصل سند و برگ سبز خودروی سواری هیوندای اکسنت ۱۶۰۰ مدل ۲۰۱۵ به رنگ سفید متالیک به شماره انتظامی ۱۲۷۴۷-۷۷ به نام عبدالرضا اسلامی بندری به شماره موتور G۴FCEU۳۰۴۱۵۰ و شماره شاسی KMHCT۴۱DBFU۱۸۴۶۳۵ مفقود گردیده و ازدرجه اعتبار ساقط است.

اصل پروانه تردد وانت دو کابین تویوتا هایلوکس SR۵ مدل ۲۰۲۵ به رنگ سفید روغنی به شماره موتور ۱۶GRC۹۷۰۳۱۵ و شماره شاسی MR۰BUACD۳S۰۱۰۷۳۷۸ به شماره انتظامی ۱۶۲۵۹-۷۷ به نام عبدالجلیل شهنوازی خرمی مفقود گردیده و ازدرجه اعتبار ساقط است.

اصل سند و برگ سبز خودروی سواری هیوندا النترا مدل ۲۰۱۵ به رنگ نقره‌ای به شماره شاسی KMHDG۴۱LBFU۵۵۵۴۵۵ و شماره موتور LAFACU۵۱۴۸۰۰ به شماره انتظامی ۱۳۴۸۳-۷۷ به نام احمد اکبری مفقود گردیده و ازدرجه اعتبار ساقط است.

اینجانب اعظم سرایلو به کد ملی ۴۸۸۹۹۲۶۱۲۷ مالک خودروی سواری سیستم سمند تیپ جی ال ایکس آی مدل ۱۳۸۳ به رنگ نقره‌ای آبی متالیک به شماره نیروی انتظامی ۶۴۳ط ۷۳ ایران ۶۹ به شماره موتور ۱۲۴۸۳۰۳۰۲۲۷ و شماره شاسی ۸۳۲۱۰۴۱۶ بعلت فقدان شناسنامه مالکیت خودرو (برگ سبز) تقاضای رونوشت المثنی سند مذکور را نموده است لذا چنانچه هرکس ادعایی در خصوص خودرو مذکور را دارد ظرف مدت ده روز به دفتر حقوقی سازمان فروش شرکت ایران خودرو واقع در پیکانشهر ساختمان سمند مراجعه نماید بدیهی است پس از مهلت مزبور طبق ضوابط مقرر اقدام خواهد شد.

برگ سبز موتورسیکلت سیستم برزین تیپ ۱۲۵CG ۱ بنام حمیدرضا مرادی جهان مدل ۱۳۸۴ پلاک ۵۱۱ـــ۴۹۱۱ شماره موتور AD۰۵۸۷۰ شماره شاسی ۱۲۵B۸۳۰۰۶۷۵ مفقود گردیده و ازدرجه اعتبار ساقط می باشد.

کارت ماشین وکارت سوخت خودرو پژو ۴۰۵ مدل ۱۳۹۲ رنگ خاکستری متالیک با شماره موتور: ۱۲۴K۱۲۱۲۳۷۵ وبا شماره شاسی: NAAM۰۱CE۷JK۳۷۵۲۸۳ وشماره پلاک: ۲۵ م ۴۳۸ ایران ۶۸ بنام امید اصفهانی مفقود وفاقد اعتبار می باشد.

برگ سبز موتورسیکلت همتاز رنگ مشکی تیپ SH۱۵۰ مدل ۱۳۹۰ به شماره موتور *NBF۰۰۳۶۷۳* ۱۶۲FMI-YM شماره شاسی NAGK۱A۳۴DT۰۱۴۲۱۳ به نام فروغ یعقوبی فرد به شماره پلاک ۵۴۱ ۳۷۵۸۸ فرزند علی محمد به شماره ملی ۴۲۱۹۹۰۶۶۱۱ مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط است.

سند کمپانی - برگ سبز و کارت خودروی سواری سمند مدل ۱۳۸۲ به رنگ نقره‌ای متالیک به شماره انتظامی ۲۴۵۷۷۱ ایران ۶۵ به شماره موتور ۲۲۹۰۸۲۱۷۹۲۷ و به شماره شاسی ۸۲۲۱۷۵۴۳ به نام ایرج یوسفی مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط است.

سند کمپانی، برگ سبز و کارت ماشین خودرو سواری هیوندای سوناتا مدل ۲۰۱۴ به شماره انتظامی ۲۷۵۴۴ ایران ۲۱ به شماره موتور G۴KEDA۳۰۴۲۵ و شماره شاسی KMHEC۴۱C۸EA۵۸۶۴۸۷ به مالکیت خانم شادی شریف زاده مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط است.

سند کارخانه تسلسل اسناد، کارت ماشین و برگ سواری پژو پارس مدل ۸۰ به شماره پلاک ۹۸۵ل۸۱ ایران ۲۵ همچنین شماره موتور ۲۲۸۲۸۰۰۳۰۱۳ و شماره شاسی ۸۰۸۰۲۹۷۶ به نام لیلا سعادت فرید مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط است. (بناب)

بدینوسیله به اطلاع عموم می رساند سند مالکیت (برگ سبز) خودرو سواری هاچ بک مدل ۱۳۸۴ سیستم پژو تیپ ۲۰۶ با رنگ نقره‌ای بژ به شماره موتور ۱۰۴X۰۷V۲۴E۴۶۹ و شماره شاسی ۱۱۸۰۰۶۴۲